

تحلیل روایی اثرگذاری متقابل ایمان و روابط اجتماعی*

امیر بنی‌عصار**

چکیده

ایمان گمشده بشر و امری قلبی است که فراتر از یک عقیده، در مسیری طولانی و عملی، همراه با ضوابطی معین شکل می‌گیرد. تحلیل روایی «اثرگذاری متقابل ایمان و روابط اجتماعی»، گویای این است که در مسیر شکل‌گیری ایمان، شتاب‌دهنده‌های اجتماعی همچون حُسنِ خُلق وجود دارد که تا حدودی حرکت اشتدادی ایمان را به انحصار خویش درآورده و در فرض حفظ شرایطش، آن را به کمال می‌رساند. در پژوهش پیش رو تلاش بر این بوده تا فارغ از هرگونه پیش‌داوری، بر اساس ضوابطی نظام‌مند از فقه‌الحديث و معناشناسی و منطبق بر روابط معنایی موجود در متن روایات، تا حد امکان به تبیین مسیر حرکت تحقق ایمان در جامعه پرداخته شود. حاصل آنکه ایمان حقیقتی است که مؤمن با تلاش خویش در چارچوب توکل، تفویض، رضایت، تسلیم و در ضمن تعاملی دوسویه و مؤثر با جامعه ایجاد می‌کند؛ در اثر چنین تعاملی از یک سو روح ایمان به اوج قدرت می‌رسد و از سوی دیگر آحاد جامعه بهترین روابط را تجربه و آثار آن از جمله امنیت و آرامش را به دست خواهند آورد. ولایت در طول این تعامل بوده و حاصل این ارتباط طولی، اتحاد و همدلی میان مؤمنین و جریان اوامر الهی و نفی سلطه طاغوت و به تعبیری تحقق تمدن اسلامی و شکوفایی استعدادهای بشر خواهد بود.

واژگان کلیدی: روایت، تحلیل روایی، ایمان، معناشناختی، آرامش، روابط اجتماعی، کفر.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵.

** دانش‌آموخته سطح چهارم حدیث و مدرس گروه حدیث جامعه المصطفی العالمية، قم؛ (a.baniasar@gmail.com).

مقدمه

برجستگی معناشناسی آنگاه پدیدار گردد که دستیابی به مفهومی از سهولت به صعوبت صعود کرده و پهلوانان درایت را به سختی افکنند. در میان سختی فهم لایه‌های زیرین و پیچیده، معناشناس، راه گسستنِ گروه کور کشف معنا را به دست گرفته و با اسلوبی نظام‌مند، تا حد زیادی به گشودن آن فائز آید. در جستجوی حقیقت ایمان نه آن‌گونه که در اذهان عموم، صرفاً به معنای اعتقادی قوی و نه آن‌گونه که برون‌داد لایه رویین دین، در کنار بسیاری از مفاهیم ارزشی است، نباید بر اساس این دو تصور، پرونده معنایی ایمان را بست بلکه اندکی درنگ و تأمل لازم است تا بدون شتابزدگی، به دنبال معجونی خارق‌العاده بود. حقیقتی که گوهر نازل شده آن به سختی در بند واژه‌ها درآید. امید به رهایی از خارهای تیز و محدود واژه‌ها، چشم تیزبین خرد را به سوی نگاهی ژرف و فراتر از یک واژه، رهنمون ساخته و در میدانی وسیع از گزاره‌های اهل بیت، رضایت نسبی را برای ذهن جستجوگر تأمین کند. در این میدان، ایمان حقیقتی سیال در میان کثیری از معانی دارد که ذهن صبور پژوهشگر از تحلیل هم‌نشینها و متقابل‌های موجود در متون روایی می‌تواند تا حدودی به آن دست یابد؛ تحلیلی که از جایگاه عقل شروع شده و ضمن ریشه‌یابی و کشف حقیقت اولیه ایمان، وارد مسیر اشتدادی آن می‌شود و با کشف زنجیره رتبه‌بندی شدت روابط اجتماعی از زاویه دید اهل بیت (علیهم‌السلام)، موانع اشتداد را کنار زده و زمینه تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. بدیهی است بُعد معرفتی و معنوی ایمان بسیار اهمیت داشته و توجه به اثرگذاری اجتماعی ایمان هرگز به معنای نفی آن ابعاد نخواهد بود! لیکن نگارنده سعی کرده تا فضای ذهنی ثقة‌الاسلام کلینی (رحمه‌الله) در دوره غیبت صغری را که بسیار نزدیک به دوره حضور بوده ملاک قرار دهد و نتیجه این ملاک، آن بود که از ۲۰۹ باب موجود در کتاب ایمان و کفر الکافی، تعداد قابل توجهی از آن‌ها مستقیم یا غیر مستقیم جنبه اجتماعی داشته و فرض اثرگذاری متقابل ویژه‌ای را در تعامل ایمان و روابط اجتماعی تقویت کرده است.

الف) جایگاه عقل در مسیر ایمان

ایمان اصلی‌ترین بن‌مایه فکری دین است که چنان درختی پر شاخ‌ویرگ، گوهر زرین روابط اجتماعی انسان و عسل مصفای جویندگان سعادت شده است و جز با دست‌یازیدن به تنه سترگ آن با تمام شاخ و برگش، شهد شیرینش را نتوان چشید. حرکت آگاهانه در میان شاخه‌های اهل بیت ایمان، محتاج ابزاری به نام عقل است که به میزان قوّتش، فرد را در فتنه‌های سخت همراه با تردید، نجات داده و به میزان ضعفش او را به سوی کفر سوق می‌دهد. رابطه عقل و ایمان در هیچ دینی به

این اندازه تبیین نشده است، آنگاه که تلاش «کی یر که گور»^{۱۱} در آشتی میان «ایمان» و «عقل» در مسیحیت ناکام ماند به ناچار زندگی خود را وقف نوسازی معنی مسیحیت نمود (بلاکهام، شش متفکر اگزیستانسیالیست، ۱۳۶۸: ۶)؛ در حالی که صریح آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) ارتباط تفکیک‌ناپذیر ایمان و عقل بوده و حرکت آگاهانه در میان شاخه‌های درهم‌تنیده ایمان را محتاج ابزاری به نام عقل دانسته‌اند. پیشوای ششم شیعه از نقش ابزاری عقل این‌گونه پرده برداشته است:

لَيْسَ بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْكَفْرِ إِلَّا قِلَّةُ الْعَقْلِ: فاصله بین ایمان و کفر چیزی جز کاستی عقل نیست، فزونی آن موجب فزونی ایمان و کاهش آن میل به کفر است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۸/۱).

ابزاری که آدم ابوالبشر (علیه‌السلام) در امتحان سخت الهی اختیار کرد و حیا و دین خویش را تضمین نمود (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱). کاستی عقل نه تنها در تعهدات دین که در همه تعهدات، سبب پوسیدگی رشته اعتماد است (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ للیثی، ۱۳۷۶: ۵۴۰)؛ از این رو عقل، عنوان محبوب‌ترین مخلوق را به خود اختصاص داد و جز در وجود شایستگان درگاه حق به کمال نرسد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱). اصرار خاص شریعت بر تعقل، این پیام را به دنبال دارد که نتایج تمام رفتارهای آدمی به میزان عقل او برمی‌گردد و همین بازگشت موجب شده تا شارع مقدس روی خطاب امر و نهی خویش را به عقل نموده و فراوانی ثواب و عقابش را وابسته به کیفیت به‌کارگیری آن گرداند (همان، ۱۰). تشخیص ظرف به‌کار بستن معلومات و تعیین زمان سکوت و سخن و نیز به‌دست گرفتن افسار شتابزدگی، کار عقلی است که هیچ سرمایه‌ای پرسودتر از آن نیست (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۰/۸). تصدیق به تأثیر خارق‌العاده عقل آنجا هویدا می‌گردد که بسان چشمی از بالا به اعمال و رفتار فرد نظاره کند و او را در حالات مختلف بسنجد؛ عکس‌العمل دیگران را پیش‌بینی کرده و تناسب قول و فعل خویش را ارزیابی نماید. عقل است که در این‌گونه امور، اجازه نفوذ و سوسه‌های طبع‌پسند ناشی از قوه خیال را به دامنه قلب نداده و مؤمن را از زندان گمراهی و کفر آزاد گرداند (منسوب به جعفر بن محمد (علیه‌السلام)، مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۷۹). سرمایه ارزشمند عقل، در پیکار سخت با جنود جهل، به پاسبانی از عبد خدا پرداخته و با فرصت ارزشمند زمان حال، مؤمن را از بند دردآور و ذلت‌بار و تخیلی گذشته و آینده رها کند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۵۹/۲) و جز در موارد خیر و عبرت‌انگیزی که فایده عملی دارد اجازه تفکر و خیال‌پردازی در غیر زمان حال را ندهد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵۵/۲). مؤمن برای تقویت عقل خویش در مسیر هدایت، به تناسب استعداد و شرایط محیط خود، مسئولیت پذیرفته و در سایه آن، بصیرتش را فزوده و دست به کسب تجربه می‌زند تا به‌هنگام نیاز، بالاترین درجه از توانمندی عقل را دارا باشد (خشت اول مسئولیت، ابراهیمی، ۱۳۹۷). مطالعه زندگی گذشتگان

(علی بن الحسین، الصحیفه السجادیه، ۱۳۷۶: دعای ۲۸، فراز ۵ تا ۷)، مشاوره با افراد عاقل و متدین و راستگو (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۶۰۲/۲ و کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۰/۸) و نیز یاد مرگ (کوفی اهوازی، الزهد، ۱۴۰۲: ۷۸) از عوامل مؤثر در کمال عقل بوده و تیغه شمشیر عقل را مهیای نبرد دوره فتنه می‌کند. آثار عقل و جهل و عوامل قوت و ضعف عقل را می‌توان در جدول شماره (۱) مشاهده کرد:

جدول شماره (۱): آثار عقل و جهل و عوامل آن‌ها

آثار قوت عقل	آثار جهل (ضعف عقل)	عامل تقویت عقل	عامل ضعف عقل
رهایی از وسوسه‌های خیال در گذشته و آینده	اسیر شدن قوه خیال و وهم	مسئولیت‌پذیری	عدم به‌کارگیری معلومات
تشخیص زمان و مکان «سخن و سکوت»	بی‌بصیرتی و عدم تشخیص صحیح	مشورت	عدم تعهد در تمام امور
انحصار تفکر در عمل خیر و مفید	آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی	مطالعه گذشتگان	شتاب‌زدگی در امور
آمادگی فتنه و حفظ ایمان	میل به سوی کفر و نفاق	یاد مرگ	سستی و کاهلی

ب) حقیقت ایمان

آنگاه که دست توانای شریعت، حکیمانه، واژه ساده «آمن» را از سبد فصیح عرب برگزید و تاج اساسی‌ترین نیاز بشر را بر سر او نهاد، دریایی از واژگان را اجیر درگاه با عظمت کاخ این سلطان حقایق گردانید و آن را داروی بسیاری از دردها قرار داد. واژه‌ای که روزگاری دو مفهوم قرین «آرامش» و «تصدیق» را در متون لغت به دوش می‌کشید (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۴۰۴: ۱۳۳/۱) و در مقابل ترس و نگرانی قرار می‌گرفت (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۳۸۸/۸)، به وقت نزول شریعت مقدس اسلام، دست تقدیر او را بر مسند حکومت سرزمینی وسیع از کلمات نشانده سیاهه پیش رو تلاشی است برای به تصویرکشیدن دایره وسیع این تاج‌گذاری مقدس، که با ژرف‌نگری در کتاب ایمان و کفر از کهن‌ترین و معتبرترین میراث مکتوب حدیثی شیعه، «الکافی» شریف و کشف روابط معنایی اصلی و فرعی در چارچوبی که شریعت تعیین کرده به‌دست آمده است.

آنگاه که جوایای حقیقت با چراغ عقل، در جستجوی ایمان به راه افتد، آن را حقیقتی در قلب مؤمن یافته که سبب آرامش و زدودن اضطراب و آشفتگی است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۵/۲؛ مجلسی، بحار الانوار ۱۴۰۳: ۱۷۸/۶۶). آرامشی نه از جنس مخدرات قفسه‌های تزیین‌شده

داروخانه که خواستگارش نسخه پزشکی روان باشد؛ بلکه از گونه‌ای بسیار قدرت‌دهنده و پایدار: اطمینان یعنی حالت طمأنینه دل. حالت آرامش روح و قلب. یعنی چه آرامش؟ آیا به این معنا که روح ما هیچ‌گونه تحرکی و تلاشی نداشته باشد؟ آرامش به این معنا که در حالت نیمه خواب و نیمه بیهوشی باشد دل ما؟ نه، بلکه آرامش در مقابل دغدغه و اضطراب، آرامش و اطمینان در مقابل تشویش...؛ اطمینان به این معنا نیست که وسط میدان جنگ بگوید یک خُرده ای تماشای منظره‌ها را بکنیم خاطر جمع باشد، نه! به این معنا نیست که کمترین حرکات دشمن از نظرش پوشیده بماند. اطمینان به این معناست که مضطرب نیست. مشوش نیست. آینده برایش روشن است. می‌داند که او را پیش خواهد برد لذا نمی‌هراسد. این دل و این روح آرام است... وقتی ایمان به خدا در روح یک انسان، همچون جاذبه‌ای قوی عمل کرد، آن‌چنان او را به‌سوی مقصدهای ایمانی می‌کشاند که جاذبه‌های کوچک، این جاذبه‌هایی که برای افراد بی‌ایمان بزرگ می‌نماید ولی در مقابل ایمان کوچکند، این جاذبه‌ها دیگر در او هیچ اثری نمی‌گذارد (حسینی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۲).

گنج‌یاب عقل در جستجوی چنین آرامشی، به هر جا سر می‌کشد اما در نهایت زانوی عجز و بندگی به درگاه الهی نهاده (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۱/۱)، با سرچشمه آرامش یعنی «یاد خدا» آشنا می‌شود. سرچشمه‌ای که عیار هر «مسمای به آرامش» را سنجیده و رویگردانی از آن را شروع یک زندگی سخت و آزاردهنده معرفی می‌کند (طه، آیه ۱۲۴). کارکرد عقل در این راهبری، تصدیق وحی در فراز و نشیب زندگیست که معنای ایمان یعنی «آرامش» را در حوزه‌ای وسیعتر تصدیق می‌کند و در جای‌جای تجربیات زندگی متوجه می‌شود که درست گفت خداوند متعال که ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)؛ آگاه باشید که با ذکر خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. چنین تصدیقی ریشه در فطرت و صُلب مؤمن دارد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۴/۲). آنچه در تحلیل پیش رو اهمیت ویژه دارد، شروع تحلیل معنایی ایمان، با مفهوم کانونی «آرامش قلب» است به‌طوری که سایر روابط معنایی به مرور به آن اضافه شده و در نهایت گستره کامل آن از نگاه آیات و روایات به‌دست آید.

ج) عوامل اشتداد ایمان

ایمان نهادینه‌شده در فطرت بشر، در ادامه مسیر خود، متأثر از عملکرد اختیاری مؤمن، دست‌خوش تغییر و تحول می‌گردد. هر قدر عمل فرد بیشتر شود به فضل الهی ایمانی افزون بر آنچه داشته بر قلبش نازل شده و حالت اشتدادی پیدا می‌کند (فتح: ۱۴). نیاز انسان به آرامش از

یک‌سو و تأثیر اختیار فرد در اشتداد آن از سوی دیگر، به تولد پرسشی می‌انجامد که چگونه می‌توان به نقطه اوج این آرامش و اطمینان رسید؟ چه عواملی در اشتداد ایمان و آرامش مؤثر است؟ عواملی که اختصاص به دنیای پس از مرگ نداشته و نیاز کنونی بشر را تأمین کند و اگر هم توجه به آخرت دارد راجع به وعده‌های دوره بازنشستگی مؤمن و ناظر به عمل دنیاست. بر اساس برون‌داد میراث روایی شیعه در کتاب ایمان و کفر الکافی، حقیقت عوامل اشتداد ایمان، چیزی غیر از ذهنیت عمومی آن و بسیار مهم‌تر از فهم بیشترین افراد است. چه بسا بعد معرفتی و عرفانی ایمان با تجرید از میدان معنایش، ساخته شده تصور ناقص مشهور از ماهیت ایمان باشد؛ حال آنکه چنین تجریدی ناصواب است. کم‌توجهی به مفاهیمی که به‌عنوان عوامل اشتداد، هم‌نشین و هم‌سیاق ایمان شده‌اند دلیل خطای این تفکیک و تجرید است. عواملی که طبق برخی گزاره‌های روایی، در چهار عنوان «راستی، امانتداری، حیا، حسن خلق» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۹۹/۲) خلاصه شده و مایز شخصیت مؤمن از منافق و کافر هستند. روایات ویژگی‌های منافق و کافر، مؤید این مطلب بوده و دروغ و خیانت در امانت را موجب قرب به جایگاه کفر؛ رکوع و سجود دروغگو و خیانت‌کار را عادت‌های بیمارگونه دانسته‌اند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰۵/۲ و ۲۹۰ و ۳۹۶). اجمال سخن آنکه فرد دروغگو و خائن و بی‌حیا و بداخلاق دچار کاستی آرامش بوده و از کمال آرامش ایمانی به دور هستند. باری، کشف لایه‌های زیرین معنایی این عوامل نیازمند تحلیل ابتدایی هر یک از آن‌ها به‌صورت مستقل و با قطع نظر از دیگر موارد است. هرچند هر یک از عناوین محتاج تحلیل کاربردی و مصداق‌یابی فراوان است تا جای خویش را در زندگی نشان دهد اما چنین تحلیلی خارج از هدف نگارنده بوده و لاجرم به محدود گفتاری بسنده شده است.

تحلیل عوامل اشتداد

خوش‌رفتاری از عواملی است که شدت و ضعف ایمان متوقف بر آن بوده (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۹۹/۲) گاه در خوش‌رویی و نوع نگاه کردن و لبخند فرد نمایان است و گاه در سایر افعال انسان. بسیاری از تلخی‌ها و نگرانی‌ها و ناکامی‌ها ریشه در بدرفتاری دارد اما افسوس که کثیری از مبتلایان به آن، سر در لاک غفلت فرو برده و زخم‌های ناشی از عملکرد زشت خویش را بر روح و روان اطرافیان نمی‌بینند. ائمه هدی علیهم‌السلام در نسخه شفابخش خویش برای درمان این بیماری، با نگاهی مثبت، گاه به آثار خوش‌اخلاقی پرداخته گاه به تقدم رتبی آن بر سایر اعمال، نزد ارباب محبت اشاره کرده (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰۰/۲) و گاه پرده از حقیقت اخروی آن برداشته‌اند (همان، ۹۹). نسخه‌ای که چنان‌که در جدول شماره (۲) آمده است هر مخاطبی را دربرگرفته و هنرمندانه نقاشی حُسنِ خُلق را بر صفحه زندگی ترسیم کرده است.

عابد اهل نوافل را به تَفَوُّقِ حُسْنِ خَلْقِ بر مستحبات آگاهانیده و خوش رفتاری را بِسَانِ عِبَادَتِ روز و شب او دانسته است (همان، ۱۰۰) و تابلوی ورودی جنت را بر مسیر دو بزرگراه پرهیزگاری و حُسْنِ خُلُقِ برافراشته است (همان، ۱۰۰). گناهکار و ناامید از جبرانِ لَکَةُ زَشْتِ مَعْصِيَتِ را به تأثیر اکسیرِ مَاحِيِ حَسَنِ خَلْقِ، نوید داده و آن را به مثابه تأثیر گرمای خورشید بر تبدیل سختی یخ به آب گوارا دانسته است (همان، ۱۰۰)؛ طالب طول فرصت دنیا و آبادانی آن را به عمر زیاد و عمران دیار بشارت داده (همان، ۱۰۰) و حکیمانه، نسخه اصلی این دارو را به رفتار ارادی و اکتسابی مختص گردانده است نه طبع غریزی نهادینه در سرشت (همان، ۱۰۱)؛ در شناخت نفس با معیاری زیبا، پرده حجاب و غفلت را از پیش روی آدمی کنار زد تا با نفس اماره و چاپلوسی دغل‌بازان، خویش را نفریبد و حقیقت خوب و بد خُلُقِش را در اُنْسِ گرفتن و حس خوب اطرافیان به هنگام حضور وی بشناسد (همان، ۱۰۲)؛ نسخه‌ای که خوش‌رویی را محصور نمود تا تمام عالمیان، حس خوب ارتباط ایمانی را تجربه کنند (همان، ۱۰۳)، خوش‌رویی را وسیله شستشوی عامل ویرانگر کینه از قلب قرار داد (همان، ۱۰۴)؛ تا مؤمن به وقت سخن، روی گشاده کند و کاسه چشم را لبریز از محبت و طاقچه لب را مزین به لبخند گرداند و تیزی و سختی زبان را تبدیل به نرمی واژه‌های دلپسند نماید! چنین خُلُقِی، سرعت حرکت اشتدادی ایمان را دو چندان خواهد کرد.

جدول شماره (۲): تأثیر حسن خلق بر انواع مخاطب اهل ایمان

مخاطب	نسخه	اثر خاص نسخه	اثر عام نسخه
عابد (اهل نوافل)	خوش‌رویی	برتری بر مستحبات، اجر معادل عبادت روز و شب	اشتداد ایمان
گناهکار مایوس از معاصی پیشین	خوش‌رویی	محو زشتی معصیت گذشته	اشتداد ایمان
جویایی طول عمر	خوش‌رویی	عمر زیاد، آبادانی دیار	اشتداد ایمان
کینه‌ورز	خوش‌رویی	شستشوی قلب از کینه، تزئین چهره با لبخند، نرمی سخن	اشتداد ایمان

۲ و ۳. صداقت و امانت‌داری دو عامل مهم دیگر در اشتداد ایمان هستند. ارتباط کلامی، یک هنر است؛ اما پیش‌نیاز آن راست‌گویی است. آنجا که هنر سخنوری همراه با راست‌گویی باشد، طعم خوش میوه آرامش، به سایه خوشایند درخت ارتباط کلامی افزوده خواهد شد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰۴/۲). آرامش حاصل از دروغی که انسان را از مخمصه نجات می‌دهد آرامشی قبل از طوفان است و با گذر زمان، صفا و صمیمیت را سلب کرده و مقدمه ورود به خیانت و جنایت و هر گناه و زشتی است (حلوانی، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ۱۴۰۸: ۱۴۵)؛ البته این قاعده خالی از استثناء نیست (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۱۰/۲). کما اینکه وقتی شخصی، دیگری را امین دانست و به او امانتی سپرد، امین برای حفظ این حس ارتباط خوب در امانت خیانت نمی‌کند هر چند امانت‌دهنده اهل فجور باشد (همان، ۱۰۴) و الا هم آرامش خویش و هم آرامش امانت‌دهنده را از بین خواهد بُرد. این امانت ممکن است از سنخ امور مادی باشد یا معنوی!

حیا از دیگر عوامل اشتداد ایمان است که پیچیدگی ارتباطش با ایمان و ملازمه ایندو سبب شده تا برای سهولت درک آن به‌مثابه دو چیزی که با طناب به‌هم گره‌زده‌شده و رفتن یکی موجب رفتن دیگری است معرفی شده‌اند (همان، ۱۰۶). چنانچه در نمودار شماره (۱) آمده، مربع معنایی حیا، حاصل چهار ضلع است که کاستی هر یک، نقصان حیا و کاستی ایمان را به‌دنبال دارد؛ اولین ضلع، کنترل و مدیریت نفس در امور خلاف میل و طبع، به هدف رسیدن به مصالح است (مؤید: بقره: ۲۱۶)؛ ضلع دوم، موقعیت‌حیاست؛ شرایطی که ترک یا انجام کاری از نظر شخص ناخوشایند و از نظر غیر او خوشایند و لازم است. چنین شرایطی در هر مصداقی از حیا مشاهده می‌شود. سومین ضلع، نظارت ناظر است؛ شرم از انجام یا ترک فعلی در حضور ناظر بخشی از حیاست، خواه ناظرش خداوند باشد یا فرد یا گروهی از انسان‌ها! آخرین ضلع، ذهنیت شخص حیاکننده نسبت به «خوبی و بدی یک کار» و «محترم‌بودن ناظر» است (پسندیده، ۱۳۸۴: ۳۱). هر فردی در طول شبانه‌روز با موارد فراوانی روبروست که با قطع نظر از خواست دیگران، خوشایند طبعش نیست اما در حین ارتباط‌گیری با ناظری محترم، خود را ملزم به رعایت آن می‌کند؛ فراوانی این امور تا حدی است که پیشوای ششم شیعه، پرده از حقیقتی مهم برداشته و فرموده: پیامدهای بی‌حیایی «بی‌احترامی به میهمان و خلف وعده‌ها و برآورده‌نشدن نیاز انسان‌ها و بی‌حرمتی به والدین و قطع ارتباطات خویشاوندی و خیانت در امانت و رواج فحشاء و زشتی در جامعه» است (مفضل بن عمر، توحید مفضل، بی‌تا: ۷۹). فرهنگ متعالی حیا، بخشی از تمدن اصیل اسلامی است که با تکیه به خود‌مدیریتی در جامعه انسانی، فرد را از انحصار امنیت حاصل از سیستم‌های مداربسته و مصنوعی که مدام نیاز به ارتقاء دارد رها کرده و با یاری ناظر درونی در کنار ناظر بیرونی، آرامش و امنیتی پایدار در جامعه مهیا خواهد کرد. لیکن سلامت هر فرهنگی مرهون تعادل است و افراط در آن نوعی بیماری است؛ بیماری حیا، خجالت و

کم‌رویی و به تعبیر دیگر «حیاء حمت» بوده و مورد مذمت شریعت و حاصل کاستی عقل است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۲). چنین حیایی زمینه محرومیت از نعمتها و شیرینیهای زندگی (شریف الرضی، نهج البلاغه للصبحی صالح، ۱۴۱۴: ۴۷۱، حکمت ۲۱) را فراهم کرده، شخص کم‌رو به سبب ریشه جهل و ترس، در بسیاری از موارد گرفتار خسران خواهد شد. از این‌رو حیا آنجا که متعادل است عامل تقویت و کمال ایمان و آنجا که افراط بوده، سبب ضعف و بی‌ایمانی است (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۳۶۰).

نمودار شماره (۱): مربع معنایی حیا



د) عنصر مشترک عوامل اشتداد ایمان

تحلیل فضای حاکم بر عوامل چهارگانه اشتداد ایمان، عنصر مشترک و اساسی آن‌ها یعنی «ارتباط با غیر» را آشکار می‌سازد: حسن خلق، بروز رفتار فرد در حین ارتباطاتش است، امانت‌داری پاسخی است به اعتماد غیر؛ حیا، لحاظ خواست اطرافیان و جلوگیری از برخی افعال در حضور غیر است و صداقت، شجاعت اظهار حقیقت در حضور دیگران و نرسیدن از عواقب خیالی آن است؛ حاصل آنکه انسان در جایی به ایمان خود کمال می‌بخشد که از حالت فردی فراتر رفته و به ارتباط با محیط خود می‌پردازد (نمودار شماره ۲). اصطلاح پرکاربرد «حق» مربوط به مواجهه فرد در ارتباطات خویش بوده و تجربه چهار عامل مذکور در زندگی است. آنگاه که عقل از بالا، رفتار صاحب خویش را نظاره کند، توصیه حکیمانه‌اش به اهل حزم این است که انسان در ارتباط متولد می‌شود و رشد می‌کند و آسیب‌دیده و ترمیم می‌شود؛ و در نهایت آنگاه که به بلوغ ارتباط خویش دست یابد ایمانش کامل شده و آرامشی پایدار به دست می‌آورد.

نمودار شماره (۲): عوامل اشتداد ایمان و عنصر ارتباط



بدیهی است که هر فرد در ارتباطات خود، رشد فرایندی دارد و انتظار نمی‌رود که از بدو تولد، ارتباطی نیکو با انواع و اصناف موجودات داشته باشد؛ از این رو، شریعت با تفکیک حقوق، به درجه‌بندی این ارتباطات پرداخته و با رجحان برخی بر دیگری، زمینه تربیت و رشد او را در طول زمان فراهم آورده است. آنچه پیش روست نه استقصای تمام حقوق به مثابه رساله امام سجاد (علیه السلام) که بخشی از حقوقی است که در ارتباط ایمانی الکافی مورد توجه قرار گرفته است.

زنجیره روابط اجتماعی ایمانی

مؤمن در فرایند اشتداد ایمان، زنجیره‌ای به هم پیوسته و تا حدودی درجه‌بندی شده را دنبال می‌کند که ترتیب چینش آن، حکمتی مخزون در علم الهی داشته و مؤمن، بسته به شرایط زمانی و مکانی و مقطعی زندگیش ممکن است تقدم و تأخری در زمان تقویت این ارتباط به وجود آورد.

۱. حق خداوند

اولین حق، حق خداوند بر بشر یعنی عبادت و بندگی او و دوری از شرک است (ابن بابویه، التوحید، ۱۳۹۸: ۲۸). بیشترین و اساسی‌ترین سهم ارتباط آرامش‌بخش، ارتباط با پروردگاری است که حد اعلای خوبی‌ها در انحصار اوست. انحصار خوبی‌ها، سبب انحصار آرامش قلب ارتباط‌گیرنده است (رعد: ۲۸)؛ از هم‌نشینی «تطمئن القلوب» با «الله» که اجتماع تمام خوبی‌ها خصوصاً لطف و محبت در آن است، به ذهن می‌رسد که شاید علت انحصار آرامش در یاد خدا، شرایط دنیا باشد؛ چراکه به خاطر عروض موانع و بلاها، احتمال قطع تمام ارتباطات هست به جز ارتباط با کسی که از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است و مانعی برای اراده‌اش تصور نمی‌شود (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۸۴/۲). باری چنین آرامشی، مرهون یقینی خالی از خرافات و عملی مقرون به یقین است، دعا راه ساده و موثر جهت ارتباط با مهربان‌ترین، باگذشت‌ترین، داناترین، زیباترین، هنرمندترین، محبوبترین و قویترین و... است که تکیه به او، انسان را بانشاط، پرانگیزه، آرام و امیدوار می‌کند.^[۲] مجوز چنین ارتباطی نشانه عدالت صادرکننده آن است تا بدون واسطه، انسان را به اوج قدرت رساند خواه از نگاه دنیوی در اوج نعمت باشد یا در شدت نعمت!

حقیقت دعا آنجاست که تکیه به باری تعالی، بهانه‌ای برای سستی نبوده و تلاش بی‌وقفه فرد نشانه اعتقادش به اثربخشی خداوند در اسباب و علل طبیعی گردد (علی بن الحسین، الصحیفه السجادیه، ۱۳۷۶: دعای هفتم، فراز دوم) و قبل و بعد از دعا مشغول عمل از راه اسباب دنیایی بوده و یاری از خداوند را از باب سبب الاسباب بداند.

کثرت غفلت انسان سبب گشت تا خداوند، اکسیر آرامش بخش دعا را در داروی ترکیبی فریضه نماز، قرار دهد (راغب، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۴۷۱) و آرامش او را در لابه‌لای سختی‌های شبانه‌روز فراهم نماید. نمازی که مقدماتش با نوازش اعضای بدن بوسیله مایه حیات به شرط قصد تقرب، فراهم گشته و هر جزیی از آن ارتباطی حاضرانه بین فرد و پروردگارش برقرار می‌کند. معجونی که شریعت به انسان آموخت تا در قالب کلماتی عاشقانه و خاضعانه از فاتحه‌الکتاب و توحید گرفته تا اذکار رکوع و سجود و... راه انس گرفتن با معبود را بیاموزد و آرامشی امید بخش را به‌دست آورد.

یکی از اسرار دعا، سیطره آن بر تمام ارتباطات آدمی است؛ یعنی مؤمن در تکمیل ایمانش از ارتباط با خداوند شروع کرده و سپس به ساماندهی روابط خویش با آحاد بشریت می‌پردازد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۲). بیهوده نیست که در میراث مأثور ادعیه شیعه، حضرات معصومان علیهم‌السلام، میدانی وسیع از آحاد بشر را مورد توجه قرار داده‌اند؛ خواه آنگاه که دعای خویش را عمومی کرده و به تمام مسلمانان سفارش می‌کنند تا در بهترین حالات معنوی یعنی ماه رمضان چگونه دعا کنند (کفعمی، المصباح الکفعمی، ۱۴۰۵: ۶۱۷) و خواه آنگاه که با تذکر به مسبب‌الاسباب بودن باری تعالی، تمام آنچه را در ادعیه آوردند، در عمل دنبال کرده و ارتباطی آگاهانه و وسیع با بشریت برقرار می‌کنند. دعای عرفه سید الشهداء و قیام بی‌مانند ایشان برای نجات بشریت و رهایی از طاغوت نماد این اقدام عملی در توسعه روابط ایمانی است.

۲. حق والدین

دومین حق، حق والدین بر فرزند است و در رتبه بعد از خدا اثربخش‌ترین درجه ارتباط را در لوح محفوظ به خود اختصاص داده است (کوفی، اهوازی، الزهد، ۱۴۰۲: ۲۰). رابطه ایمانی با دو موجودی که از عوامل توسعه رزق و روزی بوده (کراچکی، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ۱۳۹۴: ۴۰) و شدت محبت و گذشت و صبر آن‌ها، منزلتی الهی برایشان ساخته تا جایی که ارتباط محبت آمیز فرزند با آن‌ها، جایگزین جهاد فی سبیل‌الله گردیده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۶۸/۲). رابطه‌ای که در آن، بزرگترین خدمت‌های فرزند پیش روی والدین باید کوچک قلمداد شود و کوچکترین لطف این دو در پیش روی فرزند بزرگ قلمداد گردد تا حدی که فرزند باید آن‌ها را همچون سلطانی مخوف تلقی کرده و اجازه هیچ بی‌حرمتی در مقابل آن‌ها به نفسش ندهد و اطاعت از خواسته‌هایشان را چشم‌روشنی خویش گرداند (علی بن الحسین، الصحیفه السجادیه، ۱۳۷۶: دعای ۲۴ فراز ۵). چنین ارتباطی نه تنها تحمل مشکلات را آسان که بسیاری از موانع را با امداد غیبی و عینی برداشته و شیرینی زندگی را به‌دنبال خواهد داشت.

۳. حق خویشاوندان

سومین حق، حقی است که نسبت به خویشان و ارحام بر انسان نهاده شده و با شمولش بر والدین جایگاه والایی از احترام، در رتبه بعد از حرمت حق تعالی دارد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۵۰/۲). شریعت، اجازه قطع ارتباط را حتی نسبت به خویشانی که از جانب آن‌ها قطع ارتباط شده، نداده است (همان، ۱۵۰). تضمین طول عمر، پاک شدن عمل، فراوانی رزق، رفع بلا، آسانی حساب و تأخیر اجل (همان، ۱۵۰ و ۱۵۴) و نیکو شدن اخلاق (همان، ۱۵۱) همگی از آثار ارتباط خویشاوندی است. در تمثیلی می‌توان حقیقت صراط در برزخ را بسان پلی دانست که عبور از آن مستلزم دست‌آویختن به دو طرفش است و بدون آن‌ها نتیجه‌ای جز سقوط در دورخ ندارد و این دو طرف صله رحم و امانت‌داری است (همان، ۱۵۲)، چنین تمثیلی حداقل دو پیامد دارد: یکی روشن شدن اهمیت این گونه ارتباطات و دیگری تبیین ارتباط وثیق دنیا و آخرت. حاصل آنکه صله رحم و سایر روابط اجتماعی، قرار دادهایی اجتماعی بدون پشتوانه حقیقی نبوده و واقعیتی در دنیا و آخرت خالی از هر گونه لباس کهنگی هستند. در توسعه معنایی «رحم»، خویشاوند اصلی هر فرد پیامبر و آل او هستند هر کس از آن‌ها ببرد خدا هم از آن‌ها می‌برد و هر کس به آن‌ها ملحق شود خدا هم لطفش را شامل حال آن‌ها می‌کند (همان، ۱۵۱). این قدرتی است که مؤمن در توسعه ارتباط ایمانی خویش به دست آورده و به تبع آرامشی بی‌مانند پیدا خواهد کرد.

۴. حق برادران ایمانی در جامعه اسلامی

شدت ارتباط ایمانی به روابط خویشاوندی محدود نشده و در مرحله بعد شامل حق افراد جامعه اسلامی بر یکدیگر می‌گردد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲). هر مؤمنی نسبت به مؤمن دیگر برادر و راهنماست و هرگز نسبت به او خیانت و ظلم و خلف وعده نمی‌کند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲). در چنین فرهنگ متعالی، هر عضو از اعضای جامعه اسلامی در ارتباط‌گیری، کوشا بوده و نسبت به دیگر اعضا، مهرورزی و مواسات و عطف دارد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۷۵/۲). آرامش و قرار حاصل از ارتباط مؤمن با مؤمن دیگر بسان تشنه‌ای است که شدت عطش، او را مضطرب کرده و سراسیمه به دنبال آب است و با یافتنش آرام می‌گیرد و ایمانش تقویت شده، وحشت و شک او تبدیل به زندگی دلنشین می‌گردد (همان، ۲۴۷). باری، شرط چنین آرامشی، عمل به تعهداتی است که مؤمن نسبت به پروردگارش دارد (همان، ۲۴۸)؛ شرطی که هم در امور فردیش مؤثر است و هم در روابط اجتماعی. آثار فردیش، رهایی از وحشت دنیوی و اخروی و رسیدن به مقام شفاعت (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۴۸/۲) و آثار اجتماعی‌ش مرزبندی صحیح در ارتباط‌گیری اوست. مرزبندی که از یک‌سو میان دوستان و دشمنان و از سوی دیگر میان خواص و عوام از دوستان است. توضیح اینکه، لایه وسیع‌تری از گروه مؤمنین که روابط حسنه با هم داشته اما

به تعهداتشان چندان پایبند نیستند، بخشی از زیبایی‌های ایمان را به دست می‌آورند؛ خوش‌رویی و ارتباط دوستانه و رفع مشکلات همدیگر که همان آرامش دنیایی است در میان آن‌ها بوده اما از رسیدن به مقامات بالاتر محرومند (همان، ۲۴۸). چنین آرامش و امنیتی، دستاورد ایمان برای آحاد جامعه و تأثیر نهادینه‌کردن فرهنگ ایمانی بر روابط اجتماعی افراد است. البته گاهی کاستی در پایبندی به تعهدات، خطرات دیگری هم به دنبال دارد؛ عدم تقید غالب افراد جامعه به دستورات شارع و به تبع عصیان خداوندی که لطف و مهربانی او کاملاً روشن است، موجب سلطه بی‌ایمانان بر جامعه ایمانی و عوارض سخت آن خواهد شد (همان، ۲۷۶). از این رو عقلانیت مؤمن، مسیر ارتباطات اجتماعی او را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که بدون تفتیش عقاید (همان، ۶۵۲) دایره وسیعی از دوستان در جامعه اسلامی ایجاد کرده و درون این دایره، حلقه اخوتی محدود از اهل تقوا و تعهد به دست می‌آورد (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۳۷۶) تا علاوه بر آرامش دنیوی، بتواند حاکمیت دینی را حفظ کرده و امنیت اخروی را نیز به دست آورد. در این دایره محدود برادری به حدی شدت می‌یابد که بسان جسم و روح واحد گشته (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۶۶/۲) و کمک می‌کند تا در دایره وسیع روابط اجتماعی و استحکام صلّه رحم به گونه‌ای حاضر شود که مرتکب معصیت نگردد و عزت بندگی را با ذلت گناه مبادله نکند.

نمودار شماره (۲): تعامل ایمان و روابط اجتماعی

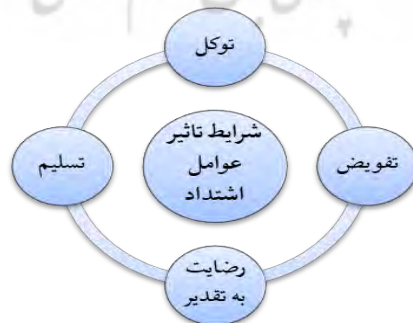


عقل در نگاه جامع به معنای گسترده ایمان به این نتیجه می‌رسد که آرامش حاصل از روابط اجتماعی منافاتی با شدت بلاء مؤمن به قدر ایمانش (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۵۲/۲) ندارد؛ زیرا این گونه بلاها برای تذکر و رهایی از غفلت است تا مؤمن را از سقوط نجات داده و در مراتب بالای ایمان نگاه دارد (همان، ۲۵۴)؛ مؤید این سخن، سفارش به دعا، صدقه و... برای رفع بلاست (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۱۱۱) تا غفلت و به تبع بلائی ناشی از آن مرتفع گردد.

هـ) شرایط اثرگذاری عوامل اشتداد ایمان

آنگاه که مؤمن در پهنای جاده ایمان قرار گرفته و تلاش در بالا بردن سرعت و رسیدن به کمال ایمان دارد، چنین تلاشی مرهون استفاده بهینه از عوامل اشتداد و به‌کارگیری عقل (هنر ارتباط) است؛ اما آنگاه که هنوز در جاده ایمان قرار نگرفته، جلوه خاصی از اثرگذاری متقابل اشتداد ایمان و روابط اجتماعی مشاهده نخواهد کرد! مربع معنایی که (در نمودار شماره (۳) آمده) مؤمن را به ابتدای این جاده می‌رساند مجموعه شروطی است که عبارتند از: تکیه بر خداوند هنگام تمسک به اسباب ظاهری، واسپاری نتایج کارها به خواست خداوند و رضایت به خواست او و تسلیم امرش بودن (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۷/۲). کشف ارتباط وثیق اضلاع این مربع، نیازمند شناخت توحیدی است؛ وقتی خداوند هیچ تقدیری را بدون خیر و مصلحت برای مؤمن قطعی نمی‌کند (همان، ۶۲)؛ نتیجه‌ای جز این ندارد که بنده‌ای که آگاه به فقر و ناتوانی خویش و قدرت خداوند باشد در کارهایش به او تکیه کرده و از توکل و تفویض غافل نشده و راضی به رضایت او و تسلیم اوامرش خواهد شد. شروط مذکور مقاماتی است که توقع تحقق یک‌باره آن‌ها از مؤمن دور از ذهن بوده و در طول مسیر، آرام آرام به دست می‌آیند. مؤمن در ابتدای راه نیازمند آمادگی اجمالی و اولیه این چارچوب است؛ اما رسیدن به حقیقت و جایگاه والای هر یک از آن‌ها بسته به میزان موفقیتش در سختی‌ها و امتحانات الهی است و سرعت رسیدن به این مقامات بستگی به میزان معرفت و شناختش از توحید (همان، ۶۰) و عمل به آنچه شناخت پیدا کرده، دارد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۴/۱ باب استعمال العلم)؛ کما اینکه دورشدن از ایمان نیز، بسته به کاستی این معرفت و عمل نکردن اوست. حاصل آنکه مؤمن با تسلیم نسبت به اوامر و نواهی الهی از جمله تدبیر و حزم (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۴۱/۲) به مدیریت و برنامه‌ریزی زندگی پرداخته اما تکیه‌اش به تدبیر الهی و امیدش به آنچه او تدبیر می‌کند بیش از تدبیر خودش است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸۳/۵) از این‌رو کار را به او واگذار کرده و راضی به مقدراتش و در نهایت تسلیم خواست اوست. هنر روابط اجتماعی بدون این شروط، اثر چندانی در اشتداد ایمان به دنبال ندارد.

نمودار شماره (۳): شروط اثرگذاری عوامل اشتداد ایمان



آنچه هدف اصلی از این حرکت ایمانی است تحصیل آرامشی برای عمل به دستورات الهی است تا مؤمن بر اساس آن‌ها بتواند تمام استعدادهای خویش را شکوفا نماید و تا حد امکان تجلی صفات الهی گردد. دستورات شریعت، در راستای تحقق سود و منفعت بشر بوده و تمام رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵۳/۲) و حسن و قبح عاقبتش فراتر از ادعا، در رفتارهای فرد در لحظات حساس زندگی بروز و ظهور خواهد یافت.

(و) موانع اشتداد ایمان و راهکار رفع آن‌ها

مؤمن، آنگاه که با حفظ شرایط ایمان و یاری گرفتن از عوامل اشتداد، حرکت بصیرت‌گونه در ایجاد روابط نیکو را پیمود، در میانه راه، با دو مانع جدی روبروست که اجازه شکوفایی استعدادهای درونیش را نمی‌دهند؛ مانع نخست در درون جامعه ایمانی و دیگری در بیرون جامعه ایمانی است. در جامعه دینی، مؤمن در حال ساماندهی ارتباطاتش با نفاق‌ها، کینه‌ها، خودخواهی‌ها، ظلم‌ها و هوسرانی‌های برخی افراد جامعه از یک‌سو و اختلاف سلیق خاص نیز از سوی دیگر، مواجه می‌شود تا حدی که مسیرش را دچار اختلال می‌بیند کما اینکه در بیرون جامعه دشمنی‌هایی از جنس کفر را مشاهده می‌کند که جز به حذف ایمان و نفی دستورات الهی و سلطه بر مؤمنین راضی نمی‌شوند؛ از این‌رو حلقه مفقوده‌ای در میدان معنایی ایمان ظهور یافته که راهنمای راهگشای مؤمن در رفع موانع است؛ این حلقه کلیدی که نامش ولایت است، دلیل و راهنمای تحقق تمام مهمات دین در جامعه خواهد بود (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۸/۲). اهمیت این عنصر معنایی در دایره ایمان آنجا روشن می‌شود که اعمال خیر انسان بدون شناخت و توجه به راهنمایی‌های ولی امر، استحقاق هیچ پاداشی از خداوند را نداشته و از دایره ایمان خارج می‌شود (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۹/۲). بدیهی است چنین ولایتی به ادعا نبوده و نیازمند شناخت همراه با اطاعت است (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۱/۱۵۴):

دارای ولایت بودن یک آدم به این نیست که در مجالس اهل بیت گریه کند فقط؛ محبت اهل بیت در دل انسان باشد همین و بس! ولایت در یک انسان، به معنای وابستگی فکری و عملی هرچه بیشتر و روزافزون‌تر با ولی است. ولی را پیدا کن؛ بعد از آنی که مشخص کردی، شخصا از لحاظ فکر، از لحاظ عمل، از لحاظ روحیات، از لحاظ راه و رسم و روش، خودت را به او متصل کن، دنبالش راه بیفت حرکت کن! جبهه‌بندی‌های تو جبهه‌بندی‌های او باشد؛ (او باید) فکر ولی را بداند، با ولی هم‌فکر شود با ولی هم‌عمل شود! این (فرد، حقیقتاً) با ولایت است (حسینی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶: ۵۶۱-۵۶۳).

ولایت آنگاه که با ولایت همراه شود علاوه بر تمام مزایای ارتباط ایمانی و شکوفایی استعدادها، میوه شیرین مکاری از اخلاق را که ریشه در رابطه عاطفی با امام دارد برای جامعه اسلامی به بار می‌آورد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵۶/۲). اکتفا نکردن به شهادتین و تلاش برای تحت سرپرستی

ولی امر و دشمنی با دشمنان او قرارگرفتن، ولایت را به معنای واقعی کامل کرده و دینی را که اولیای الهی به آن پایبند بوده‌اند نصیب انسان می‌گرداند؛ انتظار فرج و پیشروی به سوی تمدن اسلامی نیز تابع چنین ولایتی است (همان، ۲۱).

ولایتی که منصوب به خداوند تبارک و تعالی باشد عامل شکوفایی استعدادهای فردی و اجتماعی است کما اینکه ولایت شیطان و طاغوت در نقطه مقابل بوده؛ با هدف سود ظالمان، هرگز در جهت منافع آحاد جامعه گام بر نمی‌دارد. مؤمن برای آنکه شیطان بر تمام انرژی‌های سازنده و استعدادهای درونیش مسلط نشود باید با تبعیت از ولایت حق، به نفی ولایت طاغوت بپردازد. این پذیرش و نفی به اراده شخص برمی‌گردد و تا خودش نخواهد، شیاطین انس و جن توان تسلط را ندارند (عیاشی، التفسیر العیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۲۷۰). نگاه روشن و پویای عقل به مسأله ولایت و قرآن، جامعه اسلامی را در زمان غیبت از این عنصر اساسی بی‌بهره نیافته و با این حد وسط که ولایت ولی، ولایت شخص نیست بلکه واسطه‌ای است برای توجه به ولایت خداوند و جریان اوامر و نواهی او، حکم می‌کند که این ولی، گاه مستقیم و منصوب از طرف خداوند است و گاه با نشانه‌هایی در درجه‌ای پایین‌تر از معصوم به فقیهی عادل، شجاع، متقی، خداترس و مدیر سپرده می‌شود و همان کارکرد را دارد. با تأیید چنین حکمی از جانب نقل (التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، ۱۴۰۹: ۳۰۰) به دست می‌آید که با هدایت ولایت فقیه، فرد فرد جامعه همچون مجموعه‌ای واحد گشته و با هدف پیاده‌سازی خواست خداوند و شکوفاشدن استعدادها و به تبع پیشرفت همه جانبه مسلمانان دو جهت دنبال می‌شود:

یک جهت ارتباطات داخلی است، که کمال همبستگی و اتصال و ارتباط آحاد و جناح‌های گوناگون را در خودش تأمین کند و تمام عالم اسلام یکدست بشوند؛ یک جهت، جهت ارتباطات خارجی است که امت اسلامی باید سعی کند روابط خود را با دنیای غیر مسلمان جوری تنظیم کند که یک ذره تحت فرمان آن‌ها قرار نگیرد (حسینی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶: ۵۳۸).

در این صورت حکومت اسلامی، انتظاری فعال برای فرج داشته و به سوی پدیده تمدن اسلامی پیش خواهد رفت. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این (دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

تأثیر پذیری ایمان متعهدانه از روابط صحیح اجتماعی نشان از آن دارد که قوانین حاکم بر جامعه اسلامی باید هم‌سو با ایمان افراد باشد و بدون چنین قوانینی، فرد برای حفظ ایمانش مجبور به گوشه‌گیری و به تبع اکتفا به حداقل ایمان است؛ زیرا حضورش در جامعه متأثر از این قوانین است. پایبندی به تعهدات وقتی قابل جمع با تقویت روابط اجتماعی است که این روابط مانع

تعهدات او نگردد و این مهم جز با جریان قوانین حاکم بر جامعه محقق نخواهد شد خواه قوانین اقتصادی مثل ممنوعیت ربا یا قوانین فرهنگی مثل حجاب؛ از این رو مؤمن، علاوه بر دینداری، مأمور به اقامه دین و قوانین شریعت در جامعه شده است (نور/۵۶).

برون داد انتساب ایمان به قلب، پدیده انواع قلوب در میان بشر «قلب مؤمن و منافق و کافر» است؛ به میزانی که از ایمان و لوازمش کاسته گردد به نفاق و سپس کفر نزدیک شود (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/۴۲۳) و انسان دائم در میان یکی از این دسته‌ها در سیلان است و اختیار اوست که خیر بودن عاقبت یا شر بودنش را رقم خواهد زد اما خداوند لطیف، ضعف انسان را در این پیمایش لحاظ کرده و فرصتی استثنایی برای مؤمن به نام «توبه» قرار داده است. یکی از جلوه‌های تربیتی توبه مؤمن، زمانی است که او در مسیر ایمانی خویش حرکت اشتدادی را پیموده و مراتبی از ایمان را به دست آورده، اما در فتنه‌ها و امتحانات سخت، دچار لغزش شده و به سوی بی‌ایمانی رفته است؛ وقتی در اواخر زندگی روزنه امید توبه به سویش گشوده می‌شود با این حقیقت روبروست که فرصت‌های اشتداد ایمان گذشته را در اختیار نداشته و حسرت آبادانی آخرت را در دل دارد اما ندای الهی او را متوجه یکی دیگر از مهربانی‌های بی‌مانند خالقش کرده و با او محاسبه تمام آنچه در دور، ایمانش پیموده خواهد شد (همان، ۴۶۱).

نمودار شماره (۴) حاکمیت ولایت بر جریان روابط اجتماعی و تحقق تمدن اسلامی



ایمان در مجموعه فرهنگ شریعت، صرفاً به معنای عقیده‌ای ذهنی نیست تا هر چه مباحث کلامی و فلسفی آن پررنگ‌تر شود تقویت گردد (هرچند برای رفع شبهات فلسفی امروز راهی جز تلاش‌های فلسفی و کلامی نیست). باری، حقیقت ایمان، امری قلبی و اشتدادپذیر در فطرت بشر و عامل تحصیل خوبی‌هاست. مؤمن برای به فعلیت رساندن تمام استعدادهای خدادادیش نیازمند

تقویت ایمان است، از این رو در میدان وسیع ایمان گام نهاده و با شناخت خداوند و تکیه به مهربانی، قدرت و علم و سایر ویژگی‌های بی‌نهایت او آرامش گرفته و در مسیر زندگی وارد فتنه‌ها و سختی‌ها و امتحانات می‌گردد تا ایمانش را به کمال مطلوب برساند. او که تجربه زندگی پیش از این نداشته، برای رهایی از خطاهای ویرانگر، از ابزار عقل و بصیرت در مسیر پیچیده زندگی یاری گرفته و در چارچوبی که ضامن آرامش است یعنی با توکل و تقویض و رضایت به خواست خدا و تسلیم، حرکت اشتدای ایمان را در گسترش روابطش دنبال می‌کند. اینجاست که ارتباط‌گیری یک هنر و مهارت مهم شده و انسان را از بدعت «ایمان همراه با گوشه‌گیری و عزلت» رها کرده و انگیزه تقویت این مهارت را در او بالا می‌برد. اکتسابی و اختیاری بودن ارتباط مطلوب، مستلزم تمرین و برنامه‌ریزی مستمر است تا فرد با تقویت ارتباط، رشد یافته و ضعف‌های شخصیتیش ترمیم گردد. ضعف‌هایی که غالباً در کودکی به دلیل مشکلات محیط و نبود راهنما پیش آمده است و الا به خودی خود انسان چندان ضعیفی در این مهارت نخواهد داشت. مؤمن در تکمیل ایمان خویش از ارتباط با خالق بی‌نهایت یعنی از دعا و نماز شروع کرده و با راهنمایی‌های شریعت به اصلاح ارتباطش با والدین و خانواده و خویشاوندان می‌پردازد اما به آن اکتفا نکرده و روابط اجتماعی خود را در تمام جامعه اسلامی توسعه می‌دهد. تعامل ایمان و تقویت روابط اجتماعی بر اساس دستورالعمل‌های اهل بیت: از یک سو روح ایمان را به اوج قدرت می‌رساند و از سوی دیگر آحاد جامعه بهترین روابط را تجربه و آثار آن از جمله امنیت و آرامش را به دست خواهند آورد. ویژگی برجسته ایمانی که در روابط اجتماعی به کمال رسیده، توأمندسازی مؤمن در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی است. در مسیر تحقق آثار مطلوب تعامل ایمان و روابط اجتماعی، موانعی از درون و بیرون جامعه پیش می‌آید که جز با اتحاد و همدلی جامعه اسلامی تأمین نخواهد شد. راهکار انحصاری رفع این موانع، ولایت است. اینجاست که علاوه بر تمام روابط پیشین، ارتباطی نه در عرض سایر ارتباطات که در طول آن‌ها، میان هر یک از آحاد جامعه و ولی امرشان ضروری نموده تا تمام افکار و رفتار اعضای جامعه ایمانی را مطابق دستورات الهی سامان داده و علاوه بر تمام آثار مثبت، میوه شیرین مکارم اخلاق را در رابطه قلبی با والی به دنبال داشته باشد. حاصل این ارتباط طولی، اتحاد و همدلی میان مؤمنین و جریان اوامر الهی و نفی سلطه و ولایت طاغوت و به تعبیری تحقق تمدنی اسلامی و شکوفایی تمام استعدادهای بشر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] نویسنده، الهی دان، شاعر، فیلسوف دانمارکی و ملقب به پدر آگزیستانسیالیسم (kirkegaard: r).
- [۲] ارتباط حاضرانه از طریق دعا، موضوعی است که حقیقت توحید را به گونه‌ای متفاوت در ادعیه، خصوصاً صحیفه سجادیه، نمایان کرده است (برای مطالعه بیشتر به مقاله شماره هشتم از همین مجله با عنوان «بازتاب دعا در تقویت ایمان از منظر صحیفه سجادیه» مراجعه شود).

منابع

۱. ابراهیمی، ابوالفضل، خشت اول مسئولیت: پرورش مسئولیت، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ دوم، ۱۳۹۷ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للمصدق)، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ق.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۶. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.
۷. حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی، قم: صهبا، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۶ش.
۹. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۰. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۲. علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم، الصحيفة السجادية، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

۱۵. کراچکی، محمد بن علی، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران: المكتبة المرتضوية، چاپ دوم، ۱۳۹۴ق/۱۳۵۳ش.
۱۶. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی، قم: دارالرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۸. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم: المطبعة العلمية، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۱۹. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۱. مفضل بن عمر، توحید المفضل، قم: داوری چاپ سوم، بی تا.
۲۲. منسوب به جعفر بن محمد (علیه السلام)، مصباح الشریعة، اعلمی - بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۲۳. ه. ج. بلاکهام، ترجمه محسن حکیمی، شش متفکر اگزستانسیالیست، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸ش.

